

ضرورت شکل‌گیری و تدوین دیپلماسی خط لوله انرژی جمهوری اسلامی ایران
مهرداد صالحی راد^۱ - هادی آجیلی^۲ - سید جواد امام جمعه زاده^۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۱۲

چکیده:

پراکندگی مراکز ذخائر نفت و گاز، زمینه چگونگی انتقال آن را بوجود آورد. به همین دلیل تلاش ترکیه به عنوان کشور غیر نفتی و معبر می‌تواند یک الگوی بین‌المللی باشد. ایران باید همواره با تلاش مضاعف و بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیک و بیضی انرژی با استفاده از ابزار دیپلماسی خطوط لوله انتقال انرژی، به کشور معبر تبدیل گردد. از این جهت دیپلماسی و ابزار دیپلماتیک می‌تواند حضور و حفظ جایگاه ایران در نظم بین‌الملل را مستحکم نماید. دیپلماسی خط لوله، بکارگیری ابزارها و دانش سیاسی نفت و گاز اعم از عرضه، تقاضا، تبدیل و انتقال، حرکتی هدفمند، بلندمدت و دارای قوانین خاصی است که درصدد ایجاد و حفظ امنیت انرژی کشورهاست. برخورداری از یک چارچوب دیپلماتیکی قوی و کارآمد، می‌تواند زمینه موفقیت در فضای جهانی را فراهم آورد، بنابراین دیپلماسی بازی همه یا هیچ نیست. سؤال این است که ضرورت و الزامات شکل‌گیری دیپلماسی خطوط لوله انرژی ایران چگونه تبیین می‌گردد؟ به نظر می‌رسد ایران با داشتن ۱۸٪ ذخائر گازی جهان و ۱۰٪ ذخائر نفت بدون دیپلماسی خط لوله نتوانسته است براساس منافع ملی خود، صادرکننده مؤثری باشد. قصد ما بیان و طرح یک مفهوم جدید در حوزه انرژی ج.ا.ا. و ضرورت وجود چنین نگاهی بین پژوهشگران و مسئولین اجرایی است که نگاه راهبردی، امنیتی و سیاسی به حوزه خط لوله انتقال انرژی و تدوین الگوی مناسب دیپلماسی خط لوله ضرورت و اهمیت دارد. ایران بهترین، کوتاهترین، امن‌ترین، به صرفه‌ترین و از نظر زیست محیطی مناسبترین و جذابترین مسیرهای انتقال نفت و گاز به بازارهای مصرف است.

واژگان کلیدی: دیپلماسی انرژی، خطوط لوله نفت و گاز، خط لوله صلح، دیپلماسی

^۱ - دانشجوی دکتری تخصصی، روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
Mehرداد.salehirad@yahoo.com

^۲ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران: (نویسنده مسئول)
hadiajili@yahoo.com

^۳ - دانشیار و عضو هیات علمی، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
javademam@yahoo.com

مقدمه:

جمهوری اسلامی ایران با دارا بودن ۱۸ درصد از ذخائر گازی جهان، در رتبه دوم جهانی پس از روسیه قرار دارد. دسترسی به بازارهای مصرف و تضمین تداوم آن برای ایران حائز اهمیت است، اقتصاد ایران به میزان زیادی به بخش نفت و گاز وابستگی دارد. اجرایی شدن خطوط لوله نفت و گاز، نه تنها بازار خوبی برای گاز طبیعی ایجاد و درآمد ثابتی را نیز برای ایران تضمین می‌کند، بلکه کشور را از گرفتار شدن در دام مشکلات شدید اقتصادی و به تبع آن تهدید امنیت ملی نجات می‌دهد. تحریم‌ها و فرسودگی زیر ساخت‌های خطوط لوله و پالایشگاه‌ها و رشد مصرف داخلی، چالش‌های پیشرفت ایران در صنعت نفت است. بخش انرژی، به شدت سرمایه بر است و دولت به تنهایی از عهده سرمایه گذاری بر نمی‌آید. لذا ضرورت مشارکت سرمایه گذاران خارجی کاملاً محسوس است. این پژوهش در مقام پاسخ به این سؤال است که ضرورت و الزامات شکل - گیری دیپلماسی خطوط لوله انرژی ایران چگونه تبیین می‌گردد؟ به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران با داشتن ۱۸٪ ذخائر گازی جهان و ۱۰٪ ذخائر نفت نتوانسته است براساس منافع ملی خود، صادرکننده مؤثری باشد. خطوط لوله انتقال انرژی می‌تواند عامل صلح، ثبات و امنیت منطقه و جهان، مقابله با تحریم‌ها، نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی و افزایش منافع ملی باشد. نیاز کشورهای صنعتی برای به دست آوردن انرژی رو به افزایش است. کشورهای دارنده انرژی نیز به همان اندازه به دسترسی به اقتصاد جهانی و حضور در آن نیازمندند. ابزار این دسترسی روابط چند جانبه، اتحادیه‌ها و داشتن راهبرد مناسب و دیپلماسی خط لوله یک ضرورت راهبردی است. در این مقاله دیپلماسی خط لوله بعنوان یک ضرورت رفتاری و راهبردی ایران مورد بررسی قرار گرفت. بهره‌گیری از این دیپلماسی زمینه‌های لازم برای مقابله و کاهش تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی علیه ایران را فراهم می‌سازد.

بنابراین با مکانیزم تنش زدایی و اعتماد سازی در سیاست بین‌الملل و وابسته نمودن کشورها به اقتصاد ایران، افزایش و امکان مقابله نظامی، فشارهای سیاسی و تحریم‌های اقتصادی کاهش می‌یابد.

چارچوب نظری

در قرن ۲۱ کشورها به دنبال حداکثر منافع امنیتی و انرژی خود هستند اما تبعیت کورکورانه از شرایط و قوانین باعث انحراف از منافع ملی گردیده، چرا که انگیزه رهبران دولتها حرصی

است که برای قدرت دارند. براساس نظریه واقع‌گرایی^۱ کنت والتز^۲ انگیزه‌های رهبران و ویژگی‌های دولت را از دایره متغیرهایی که علت نتایج بین‌الملل محسوب می‌شوند، حذف می‌کند و تنها این فرض حداقل را می‌پذیرد که دولتها در پی حفظ موجودیت خویش‌اند. کشورها به مثابه جعبه‌های سیاهی هستند که عوامل داخلی اعم از فردی و اجتماعی، نقش و تأثیری در رفتار و سیاست خارجی^۳ آنها ایفا نمی‌کند. در این شرایط نوواقع‌گرایی به تحلیل و تبیین رفتار کشورهای منفرد نپرداخته و آن را به نظریه سیاست خارجی وا می‌گذارد.

رفتار و سیاست خارجی کشورهای منفرد به گونه‌ای است که با تأکید بر تعامل نظام بین‌الملل^۴ و پوییش‌ها، دولتها تلاش می‌کنند تا راهبردهای کلان کشورهای منفرد در قبال الگوهای تکرار شونده نتایج بین‌المللی را توضیح دهد. دولتها بعنوان بازیگر اصلی به دنبال کسب ثروت و افزایش منافع ملی خود هستند. بنابراین یکی از عوامل و اهداف دولت امنیت عرضه و تقاضای انرژی به عنوان نیروی محرکه اقتصاد کشورهاست. رویکرد رئالیسم اقتصادی^۵ تأکید دارد که دولت برای کسب درآمد بیشتر، فعالیت‌های خود را در چارچوب افزایش منافع خود ادامه دهد. واقع‌گرایی فرض می‌کند که دولت ملتها بازیگران اولیه روابط بین‌الملل هستند که هسته مرکزی نظام بین‌الملل را تشکیل می‌دهند. در نتیجه این رویکرد نظری، دولت ملی کماکان مهمترین بازیگر در سیاست بین‌الملل محسوب می‌گردد و روابط بین کشورهای دارای حاکمیت^۶ و تعاملات سیاسی^۷ مبتنی بر اصول قدرت و منافع ملی در نظام بین‌الملل است. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۲: ۲۹)

از طرفی ثبات هژمونیک به شرایطی در عرصه نظام بین‌الملل اطلاق می‌شود که یک کشور دارای تفوق در زمینه‌های مختلف با ایجاد قواعد و رژیم‌های قدرتمند بین‌المللی، ثبات و تعادل سیستم را حفظ کرده و سایر کشورها را وادار می‌نماید تا آن قواعد را رعایت کنند. (Gilpin, 1987.43) بهره‌گیری از قدرت مستلزم آن است که هژمون از اقدامات مثبت برای ایجاد ساختاری از انگیزه‌ها از لحاظ مزایا تا پایین‌ترین سطح سلسله مراتب قدرت استفاده کرده و بدین ترتیب

^۱ - Realism Tiory

^۲ - Kenet Waltz

^۳ - Foreign Polici

^۴ - International Sistem

^۵ - Economic Rialism

^۶ - Soereignty

^۷ - Political Interactions

اعضا را در نظام نگاه دارد. (قوام، ۱۳۸۴: ۷) در نظریه هژمونیک^۱، هژمون عهده دار اقتصاد جهانی^۲ می‌شود. گیلپین معتقد است که هژمونیک ریشه در نظریات مرکانتلیستی^۳ و اقتصاد آزاد^۴ دارد دارد اما یک عامل لیبرالی نیز در آن مشهود است و نه تنها منافع خود هژمون در آن تامین می‌گردد بلکه دولت‌های شرکت کننده نیز از آن منتفع می‌شوند. (ساعی و پیلتن، ۱۳۹۰: ۹۴)

به نظر رابرت گیلپین^۵ که نظریات او را با رویکرد رئالیسم اقتصادی می‌دانند، رابطه اقتصاد و سیاست یک رابطه تعاملی است. وی با تأکید بر نقش بازار در این تعامل بیان می‌دارد که می‌توان از ظرفیت و پتانسیل بازار برای پیشبرد اهداف و کارآمدتر ساختن کسب ثروت و افزایش منافع ملی استفاده نمود. به نظر گیلپین دولت‌ها از ابزار سیاسی برای کسب ثروت و از ابزار اقتصادی برای کسب قدرت بهره می‌برند. در نظریه اقتصاد سیاسی شاهد یک درهم تنیدگی بین مسائل سیاسی و اقتصادی می‌باشیم که می‌توان با استفاده از دیپلماسی^۶، مراودات^۷، رفت و آمدهای دوستانه^۸ دوستانه^۸ و مناسبات مثبت^۹ به اهداف مورد نظر خود دست یافت. در نتیجه روابطی بین تولیدکنندگان و مصرف کنندگان انرژی وجود دارد، که هرچه این روابط به سمت تعامل بیشتر برود، شاهد دستیابی بیش از پیش به منافع ملی هستیم.

اقتصاد سیاسی بین‌الملل^{۱۰} با تعامل دولت و بازار سروکار دارد. دولت یک واحد سیاسی سرزمینی برخوردار از حاکمیت و دارای حکومت^{۱۱} و جمعیت^{۱۲} است و بازار ساز و کار هماهنگ کننده‌ای است که فروشندگان و خریداران، براساس عرضه و تقاضا تعیین کننده میزان تولید اند. دولت اغلب با تعقیب قدرت، و بازار با جستجوی ثروت ملازم است. اما دولت علایقی دارد که با انباشت ثروت در ارتباط است و بازار هم بطور کامل از ملاحظات قدرت برکنار نیست.

1- Hegmemonic Thiory

2- Golobal Economy

3- Free Economy

4- Mercantelism

5- Rabert Gilpin

6- Diplomacy

7- Interviews

8- Friendly Travel

9- Positive Relationships

10- International political Economy

11- Government

12- Population

مفاهیم دیپلماسی، دیپلماسی انرژی و دیپلماسی خط لوله انرژی

دیپلماسی بازی همه یا هیچ نیست. دیپلماسی یک نوع استفاده از ابزار دیپلماتیک جهت حضور در صحنه بین‌المللی و حفظ جایگاه خویش در نظام بین‌الملل است.

دیپلماسی چندجانبه دانش و هنر بکارگیری دیپلماسی در محیط‌های چندجانبه است. بنابراین بازی در محیط‌هایی با حضور بیش از دو بازیگر و یا دو دولت عضو برای پیگیری اهداف، تامین منافع، افزایش نفوذ و کاهش آسیب پذیری با کمترین هزینه است. (ظریف و سجادی‌پور، ۱۳۹۷: ۳۷) بنابراین محیط تعامل دیپلماسی چندجانبه براساس ساختارهای توافقی، رژیم‌های مشخصی استوار می‌گردد و شیوه عضویت دولت‌ها با روش مشارکت و تاثیرگذاری^۱ در آنها را تعیین نموده است

منظور از دیپلماسی انرژی، کنش متقابلی است که معطوف به نگاه بلندمدت و راهبردی به بسط همکاری بین‌المللی و جهانی انرژی بر بستری از همکاری بین‌المللی، ابزار تشویق و حمایت از سرمایه گذاری‌های چندجانبه در زمینه تولید و تجارت است. (شهبازی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲۸) دیپلماسی انرژی، به مجموعه رفتارها و تعاملاتی گفته می‌شود که یک کشور در حوزه انرژی حداقل به دو منظور در تعامل با کشورهای جهان آن را بکار می‌برد. به عبارت دیگر دیپلماسی انرژی مجموعه‌ای از رفتارها و تعاملاتی است که یک کشور با جامعه جهانی برای پیشبرد حداقل دو هدف از آن استفاده می‌کند. این دو هدف یکی به حوزه انرژی و دیگری به حوزه امنیت ملی یا منافع ملی کشور باز می‌گردد. (عادل، ۱۳۸۹: ۲۸)

دیپلماسی انرژی، استفاده از ابزار دیپلماتیک جهت حضور در صحنه بین‌المللی و حفظ جایگاه خویش در نظام بین‌الملل است. در واقع دیپلماسی انرژی، بکارگیری ابزارها و دانش سیاسی مربوط به انرژی اعم از عرضه، تقاضا، تبدیل است. دیپلماسی انرژی حرکتی هدفمند، بلندمدت و دارای قوانین ویژه‌ای بوده که در صدد ایجاد و حفظ امنیت انرژی کشور می‌باشد. برخورداری از یک چارچوب دیپلماتیک قوی و کارآمد برای هر کشور، می‌تواند زمینه موفقیت آن را در امر انرژی در فضای جهانی فراهم آورد. (نوروزی، ۱۳۹۰) توافق^۲، تهدید^۳، اقناع^۴، زور^۵ ابزارهایی هستند

1- Influence

2- Agreemen

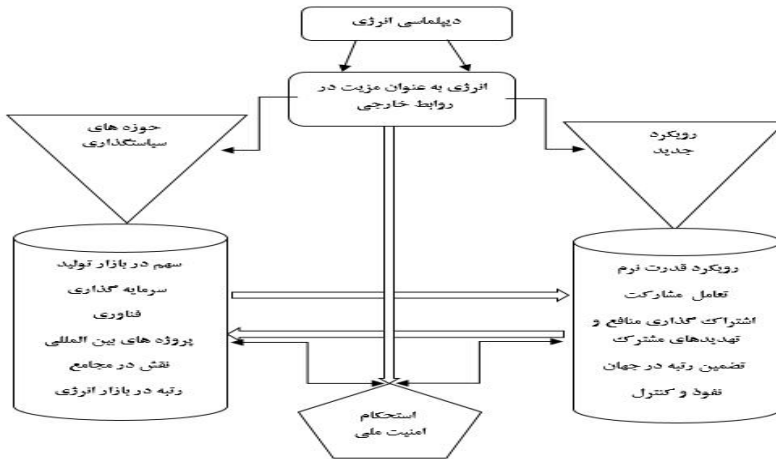
3- Threat

4- Satisfaction

5- Force

هستند که باید در خدمت اهداف دیپلماسی باشند و دیپلماسی باید از این ابزارها و امکانات استفاده کند. چرا که " در صورت شکست در هرکدام از وظایف دولت و موفقیت در سیاست خارجی، صلح جهانی^۱ را به خطر می‌اندازد." (Morgenthau, 1954.539)

نقش و رابطه دیپلماسی انرژی با تحکیم امنیت ملی کشورها



امنیت انرژی بسیار حائز اهمیت است. در بعد ژئوپلیتیک انرژی، برخی صادرکننده و برخی وارد کننده عمده انرژی هستند. وارد کنندگان از ترس قیمت و عدم دسترسی به عرضه انرژی که امنیت خود را وابسته به انرژی می‌دانند و صادرکنندگان با نگرانی از حاکمیت و بازارهای خارجی با قطع تقاضا و مداخله نظامی رو برواند. لذا باید اقدام هماهنگ و همکاری بین‌المللی در موضوع امنیت انرژی انجام گیرد و می‌توان در تئوری علمی گفت که کارکرد امنیتی وابستگی متقابل در حوزه انرژی به دیپلماسی انرژی نیز سرایت می‌کند و از برخورد مناقشه آمیز و درگیری جلوگیری می‌کند و یا کاهش می‌دهد. امنیت انرژی^۲ به معنی دسترسی و عرضه کافی انرژی در نرخ‌های معقول می‌باشد. (Yergin, 2011.266) مثلاً روسیه برای حفظ انحصار در دیپلماسی انرژی خویش و کارشکنی‌های متعدد در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، کشورهای پیرامونی خزر را برای صادرات گاز به اروپا از طریق خط لوله زیر دریا با چالش مواجه کرده است. (Verda, 2012.1) در واقع دیپلماسی خط لوله انرژی روسیه در عرصه منطقه‌ای ابزاری برای هژمون طلبی مسکو شده است.

¹ - Global Peace

² - Energy Security

در حوزه کلان دیپلماسی انرژی، بخش انتقال شامل مزیت کشورها در کنترل بر مسیرهای دریایی و خشکی (خطوط لوله) انتقال انرژی، از مؤلفه‌های مهم آن بشمار می‌رود. ایران باید به اصلاح ساختار تولید، ثبات مالی و پولی، ثبات اقتصادی و عضویت در اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای، تدوین و اجرای دیپلماسی خطوط لوله اقدام نماید. ایران باید تلاش نماید خطوط لوله متنوعی احداث و بازارهای متعددی داشته باشد. این دیپلماسی فقط فنی و اقتصادی نیست بلکه سیاسی و امنیتی نیز می‌باشد ایران نیاز به نقشه جامع خطوط لوله نفت و گاز دارد. در این فضای نظام بین‌الملل ما باید از ابزار سیاسی برای کسب ثروت و از ابزار اقتصادی برای کسب قدرت استفاده کنیم چون منافع ما در آن است که از منابع غنی انرژی، برای کسب قدرت و افزایش منافع ملی بهره ببریم، کاری را که روسیه با اتحادیه اروپا می‌کند.

مروری بر وضعیت انرژی نفت و گاز جهان

اهمیت موضوع انتقال و داشتن دیپلماسی و نقشه خطوط لوله بدلیل عدم تطابق کانونها^۱ و نواحی تولید، مصرف نفت و گاز زمینه شکل‌گیری چگونگی انتقال انرژی در مقیاس‌های مختلف است. پراکنش جغرافیایی نفت و گاز در سطح جهان باعث تلاش کشورهای دارنده نسبت به انتقال انرژی اقدام، و نقشه و استراتژی مناسب تدوین نمایند. ایران نیز همواره تلاش می‌نماید با استفاده از خطوط لوله انتقال نفت و گاز و میزان بهره‌وری از ظرفیتها^۲، تولید و فروش خود را به حداکثر برساند.

پراکنش جغرافیایی ذخائر نفت خام (میلیارد بشکه) و تولید و مصرف (هزار بشکه در روز) - منبع: EIA 2013

منطقه	میزان ذخائر نفت	سهم جهانی	تولید جهانی	سهم تولید جهانی	میزان مصرف	سهم مصرف جهان
خاورمیانه	۷/۸۰۷	٪۴۸/۴	۲۸۲۷۰	٪۳۲/۵	۸۳۵۴	٪۱/۹
آمریکای جنوبی و مرکزی	۴/۳۲۸	٪۷/۱۹	۷۳۵۹	٪۹/۲	۶۵۲۳	٪۳/۷
آمریکای شمالی	۲/۲۲۰	٪۲/۱۳	۱۵۵۵۷	٪۵/۱۷	۲۳۰۴۰	٪۲۴/۶
آفریقا	۱۳۰/۳	٪۸/۷	۹۴۴۲	٪۹/۱۰	۳۵۲۳	٪۴
اتحادیه اروپا	۱۶	٪۴/۰	۳۷۵۶	٪۱/۴	۱۴۸۲۹	٪۱/۱۷
روسیه و اورآسیا	۸/۱۲۴	٪۸	۱۳۴۵۵	٪۲/۱۶	۳۷۵۴	٪۲/۴
آسیا پاسیفیک	۵/۴۱	٪۳۳/۶	۲۸۷۸۱	٪۱۶/۲	۸۳۱۳	٪۲/۵
کل جهان	۹/۱۶۶۸	٪۱۰۰	۸۶۱۵۲	٪۱۰۰	۸۹۷۷۴	٪۱۰۰

^۱ - Mismatch of the Hotspots

^۲ - Capacities

منطقه	میزان ذخائر گاز (TCM)	سهم جهانی	تولید جهانی (BCM)	درصد سهم تولید جهانی	میزان مصرف (BCM)	درصد سهم مصرف جهانی
خاورمیانه	۸۰/۳	۴۳/۲	۱۲	٪ ۱۶/۸	۴۲۸/۳	٪ ۱۲/۸
آمریکای	۱۱/۷	٪ ۶/۳	۱۴	٪ ۵/۲	۱۶۸/۶	٪ ۵
آمریکای	۷/۷	۴/۱	۱۱	٪ ۲۶/۹	۹۲۳/۵	٪ ۲۷/۸
آفریقا	۱۴/۲	٪ ۷/۶	۱۳	٪ ۶	۱۲۳/۳	٪ ۳/۷
اتحادیه اروپا	۴/۳	٪ ۲/۴	۱۹	٪ ۸/۳	۵۶۳/۷	٪ ۱۶/۸
روسیه و	۵۲/۳	٪ ۲۸	۷۴۷	٪ ۳۴/۲	۴۹۷/۶	٪ ۱۴/۹
آسیا	۱۵/۲	٪ ۸/۲	۴۸۹	٪ ۱۴/۵	۵۰۱	٪ ۱۹
کل جهان	۱۸۵/۷	۱۰۰	۳۳۶۹	٪ ۱۰۰	۳۲۰۶	٪ ۱۰۰

پراکنش جغرافیایی ذخائر گاز طبیعی (تریلیارد مترمکعب) و تولید و مصرف (میلیارد مترمکعب) منابع: EIA 2013

در این شرایط نقش متغیرهای سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی و امنیتی در طراحی مسیر و احداث خطوط لوله انتقال نفت و گاز تاثیرگذار است. کشورها برای برتری اقتصادی و افزایش منافع ملی باید به منابع انرژی در اختیار و یا به منابع انرژی مورد نیاز خود تسلط داشته باشند. به عبارتی مسئله رشد و توسعه اقتصادی کشورها ارتباط منطقی و عقلی با امنیت عرضه و تقاضای انرژی دارد. با وضعیت موجود روابط بین‌الملل، به علت نبود چشم انداز روشن در کسب انرژی نفت و گاز و عدم آینده‌ای روشن برای انرژی‌های جایگزین و با توجه به رشد مصرف و تقاضای جهانی انرژی، روز به روز بر اهمیت استراتژیک این منابع افزوده می‌شود.

جایگاه ایران در خطوط لوله انرژی

صنعت انتقال به عنوان صنعتی وفادار به پالایش و صادرات کار خود را همزمان با راه اندازی پالایشگاه آبادان آغاز کرد و مسئولیت احداث اولین خط لوله نفت از مسجد سلیمان تا آبادان در سال ۱۹۰۹م (۱۲۸۸ش) از سوی شرکت نفت انگلیس و ایران به فردی به نام چارلز ریچی داده شد. (آریانفر، ۱۳۹۵)

انتقال نفت و فرآورده‌های آن در گذشته تا حدود زیادی با تانکرهای نفتکش انجام می‌شد با افزایش تولید نفت و نیاز به انتقال سریع تر مواد نفتی، خطوط لوله و تلمبه خانه‌های متعددی در نقاط مختلف کشور تاسیس شد. امنیت انرژی^۱ امروز طیف گسترده‌ای از مباحث شامل

^۱ -Energy Security

افزایش تقاضای جهانی^۱ و وابستگی بیشتر به بازارهای تولید^۲، امنیت عرضه^۳، ترانزیت و حفاظت از خطوط لوله انتقال، منابع انرژی مطمئن، قیمت‌های مناسب، تعیین سیاست‌های انرژی، مسائل زیست محیطی و انرژی جایگزین را در بر می‌گیرد.

ایران، بعنوان یک قدرت بزرگ^۴ و تأثیرگذار در زمینه نفت و گاز و برخوردار از منابع غنی انرژی و موقعیت جغرافیایی^۵ ممتاز و به دلیل همسایگی با کشورهای تولیدکننده نفت و گاز محصور در خشکی، باید در ترانزیت و عملیات انتقال نفت و گاز فرا مرزی^۶، نقش موثرتری را ایفا نماید. استفاده از نفت و گاز در سیاست خارجی، موقعیت مناسب در اوپک و حضور موثر در تشکیل مجمع کشورهای صادرکننده گاز، برخورداری از نیروی انسانی کافی، مستعد، متخصص و جوان، موقعیت ممتاز ژئوپولیتیکی^۷ و ژئواستراتژیکی^۸، برخوردار از کیلومترها مرز آبی و ارتباط با آبهای بین‌المللی و قابلیت ایجاد اسکله و بنادر صادراتی، ورود به حوزه‌های فناوری برتر^۹، نظیر فناوری اطلاعات^{۱۰}، بیوتکنولوژی^{۱۱}، انرژی هسته‌ای و نانوتکنولوژی^{۱۲}، وجود بالقوه زیرساخت‌های شبکه حمل و نقل، ظرفیت‌های تامین انرژی از جمله برق، گاز و شبکه‌های انتقال مهمترین ابزاری هستند که می‌تواند به تحقق این هدف کمک کند.

با بومی سازی الگوی دیپلماسی انرژی^{۱۳} مطابق با نیازها، اهداف و دورنمای توسعه اقتصادی، با اسناد بالادستی (برنامه‌های افق ۱۴۰۴ و سیاست‌های کلان اعلام شده از سوی مقام معظم رهبری) به دستاوردهای قابل ملاحظه‌ای در این زمینه دست یافت. در چنین شرایطی دیپلماسی اقتصادی^{۱۴} انرژی سه هدف عمده را مورد توجه قرار می‌دهد:

1- Global Dimanid

2- Production Markets

3- Supply Security

4- Great Power

5- Geographic Position

6- Operation of Transboundary oil & gas

7- Geopolitics

8- Geostrategic

9- Superior Technology

10- Information Technology

11- Bio Technology

12- Nano Technology

13- Energy Diplomacy

14- Economy Diplomacy

دسترسی به بازارهای جهانی^۱، جذب سرمایه‌های خارجی (بطور مستقیم و غیرمستقیم یا دو جانبه و چند جانبه) و حفظ اقتصاد ملی در مقابل چالش‌های اقتصاد جهانی. (واعظی، ۱۳۸۹: ۱۲۹)

سه بازار جذاب برای صادرات گاز ایران وجود دارد:

۱- خاورمیانه عربی یک شریک بسیار نوید بخش برای ایران تلقی می‌شود. این کشورها در آینده نیاز به واردات گاز بیشتری خواهند داشت. ایران بدلیل نزدیکی به این کشورها قابلیت صدور گاز از طریق خط لوله دارد و قطعاً این کشورها فقط به قطر به عنوان منبع تامین انرژی خود نگاه نخواهند کرد. ۲- بازار آسیا با توجه به رشد و توسعه سریع و افزایش چشمگیر در تقاضای انرژی، ایران به وضوح یک منبع عرضه قابل توجه، مطمئن و مؤثر انرژی به آسیا محسوب می‌گردد. خط لوله صلح که بازار آسیا را هدف قرار داده، به دلایل عملیاتی نشدن اجرای خط لوله در پاکستان مسکوت مانده است. (Jalilvand, 2013) ۳- بازار اروپا به دنبال مسیرهای متنوع واردات گاز مورد نیاز خود می‌باشد و ایران از سرمایه‌گذاری‌ها و تکنولوژی اروپا سود خواهد برد. امروز فرصتی است که برای صدور گاز به اروپا تضمین‌های برجانی نیز گرفته شود. پس از خروج رسمی آمریکا از برجام ایران اسرار به اخذ تضمین طرف‌های دیگر برجام، برای ماندن آنها در این معاهده بین‌المللی و چند جانبه دارد که مذاکرات در می ۲۰۱۸ با مهلت کوتاه ایران به اروپا، در حال انجام است. اروپایی‌ها سخت به دنبال تنوع بخشی در واردات گاز مورد نیاز خود و رفع وابستگی بیش از حد به انرژی روسیه هستند. برای آنها ایران، یک گزینه ممکن به شمار می‌رود. کنسرسیوم خط لوله ناباکو به دلایل سیاسی ایران را بعنوان یکی از شرکاء تامین کننده گاز اروپا کنار گذاشت. در سال ۲۰۰۷ نیز شرکت EGL سوئیس از نهایی سازی یک قرارداد ۲۵ ساله با شرکت ملی صادرات گاز ایران به منظور تحویل ۵/۵ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۱۲ خبر داد لیکن آن زمان به دلیل بن بست بر سر شدت مذاکرات برنامه هسته‌ای ایران متوقف گردید و عملی نشد. ایران صدور گاز به یونان و اسپانیا را نیز اعلام نمود. در اکتبر ۲۰۱۲ اتحادیه اروپا گاز ایران را تحریم کرد و تا آن زمان که تحریم‌ها برداشته نشود صدور گاز به اروپا عملاً ممکن نخواهد بود. (منظورو اسدی، ۱۳۸۵)

ایران فعالیت محدودی در بازارها منطقه دارد که بسیار شکننده است از جمله:

۱- عمان در سال ۲۰۰۵ تفاهم نامه‌ای به منظور همکاری بیشتر نفت و گاز امضا نمودند.

¹ - Global Markets

صادرات گاز ایران به عمان به میزان ۸ میلیارد مترمکعب، توسعه مشترک میدان گازی کیش و میدان نفتی هنگام و همچنین سرمایه‌گذاری‌های مشترک در نفت و گاز ایران از جمله این توافقات بوده است. اما بر سر قیمت‌گذاری ایران نتوانست این تفاهمنامه را به قرارداد تبدیل نماید و در سال ۲۰۱۲ ایران نیز توسعه یکجانبه میدان گازی کیش را اعلام کرد و دو کشور توسعه میدان نفتی مشترک هنگام را بصورت مستقل آغاز کردند که منجر به رقابت برای سطح تولید حداکثری گردید. (Jalilvand,2013)



مسیر خط لوله ایران عمان

۲- طرح صادرات گاز ایران به بحرین تفاهمنامه‌ای بود که ۱۰ میلیارد مترمکعب از سال ۲۰۱۰ منعقد شد. اما بحرین خود را بین نیازهای انرژی و وابستگی‌های سیاسی به عربستان و آمریکا گرفتار می‌دید و بعلاوه شورش و اعتراضات مردمی، روابط ایران بحرین تیره و باعث نزدیکی عربستان و استقرار ناوگان پنجم آمریکا در بحرین گردید و این تفاهمنامه هرگز به قرارداد تبدیل نشد. (Jalilvand,2013)

۳- کویت ذخائر نفتی خوبی دارد ولی از گاز بی نصیب است. میدان گازی و نفتی مشترکی بین ایران، کویت و عربستان است که سمت ایرانی بنام آرش و سمت کویت و عربستان بنام درا است که بارها مذاکراتی بین کویت و ایران مبنی بر صدور گاز از میدان آرش به کویت صورت گرفته اما دو کشور هنوز بر سر مرز آبی خود به توافق نرسیده‌اند. البته یک تفاهمنامه برای صادرات ۳ میلیارد متر مکعب در سال از طریق خط لوله در خلیج فارس به امضاء رسید اما این تفاهمنامه بعلت عدم توافق بر قیمت‌گذاری و از طرفی کشف یک میدان گازی داخلی توسط کویت هیچگاه به قرارداد تبدیل نشد. (Jalilvand,2013)

۴- امارات متحده عربی، زیر ساخت‌های صادرات گاز در سال ۲۰۰۸ ایجاد گردید اما مشاجره

بر سر قیمتگذاری مانع از اجرای این تجارت گازی شد. سال ۲۰۱۱ یک قرارداد گازی ۲۵ ساله بین شرکت ملی گاز ایران و کرسنت پترولیوم امارات امضاء شد که بر مبنای آن ایران سالانه ۵/۲ میلیارد مترمکعب گاز از میدان سلمان در خلیج فارس از طریق خط لوله به امیر نشین شارجه صادر کند. طول این خط ۲۸۰ کیلومتر است که با موفقیت احداث گردید. اما مجدداً مشاجره بر سر قیمت‌گذاری مانع از شروع ارسال گاز به امارات گردید. سپس ایران اعلام کرد گاز سلمان را برای مصرف داخلی استفاده خواهد کرد و احداث خط لوله را برای آن آغاز نمود. جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۱ قرارداد را یک طرفه لغو نمود. (Jalilvand, 2013)

۵- ترکیه حدود ۸ تا ۹ میلیارد مترمکعب از طریق خط لوله از ایران خریداری می‌کند. خط لوله ایران ترکیه بطول ۱۸۵۰ کیلومتر از طریق مرز بازرگان به ترکیه می‌رود و علیرغم مخالفت آمریکا تجارت گاز ایران به ترکیه از سال ۱۹۹۰ آغاز شد که دو عامل افزایش مصرف ترکیه و تعمیق روابط ایران ترکیه باعث این صادرات شده است که به رقم ۱۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ افزایش یافت. (Ibid). صادرات گاز ایران به ارمنستان و آذربایجان در مقدار بسیار کم برای سوپا بوده است.

جمهوری اسلامی ایران و طرح‌های خطوط لوله انرژی

ایران تلاش می‌نماید خطوط لوله متعدد و متنوعی داشته و بازارهای مختلفی را ایجاد نماید. در این راستا برخی طرح‌ها و اقداماتی توسط ایران انجام گردید که به شرح آنها می‌پردازیم: طرح کریدور شمال- جنوب (قزاقستان، ترکمنستان، ایران، خلیج فارس)، طرح خط لوله ترکمنستان، ایران، ترکیه، اروپا و همچنین انتقال گاز به امارات و عمان مسکوت باقی مانده است. سه طرح بزرگ و مهم سالهاست که اجرائی نشده‌اند:

۱- طرح خط لوله صلح: خط لوله انتقال گاز ایران پاکستان هند موسوم به صلح مدتها از امضای موافقتنامه^۱ اجرایی این طرح می‌گذرد. به جرأت می‌توان ادعا کرد ملاحظات سیاسی^۲، نظام بازار آزاد و ژئوپلیتیک، گسترش روابط هند و ایران مهمترین عامل اجرایی نشدن خط لوله صلح است. از اوایل دهه ۱۹۹۰ هند در راستای آزاد سازی اقتصادی گام برداشت. در خصوص عامل ژئوپلیتیک نیز قرابت جغرافیایی، حضور طالبان درافغانستان و نیز رقابت در آسیای مرکزی از جمله عوامل محرک برقراری رابطه نزدیکتر هند و ایران می‌باشد. لذا هند از گزینه ایران صرف

^۱ - Agreement

^۲ - Political Considerations

نظر نمی‌کند. ایران برای هند شریک مناسبی در آسیای مرکزی و خلیج فارس است. از سوی دیگر، ایران به بازار انرژی رو به رشد هند و نیز به یک مؤتلف قوی در آسیا نیازمند است. با احداث این خط لوله و پاکسازی تروریست‌ها، امنیت برقرار و مشارکت تمایل خشونت و قاچاق مواد مخدر نیز کاهش می‌یابد. این در حالی است که بلوچستان و پاکستان با دارا بودن منابع نفت، گاز و سایر ذخایر معدنی، غنی‌ترین و وسیع‌ترین ایالت‌های کشور به شمار می‌آید و در عین حال توسعه نیافته‌ترین و کم‌جمعیت‌ترین ایالت در میان چهار ایالت دیگر این کشور است.

۲- منافع سیاسی: تاکنون سه جنگ بین پاکستان و هند رخ داده و نیز بین آنها رقابت هسته‌ای برقرار است که مجموع این شرایط، اوضاع منطقه جنوب آسیا را با بی‌ثباتی مواجه ساخته است. رقابت هند و پاکستان بر سر تولید سلاح هسته‌ای، یادآور جنگ سرد بین شوروی با آمریکا، البته با وسعتی کمتر است که عوارض خطرناکی را برای منطقه خواهد داشت. لذا تلاش، برای طرح ۱۵ ساله خط لوله می‌تواند به گفتگوهای صلح‌آمیز روح تازه‌ای ببخشد و نقش تسهیلگر را داشته باشد. این طرح، دهلی نو و اسلام‌آباد که بر سر منطقه کشمیر اختلاف تاریخی دارند، آنها را بر سر میز مذاکره کشاند.

۳- منافع اقتصادی: طبق گزارش بانک جهانی، هند تا سال ۲۰۲۰، به چهارمین قدرت اقتصادی جهان تبدیل خواهد شد. در حال حاضر، استفاده از گاز در بخش‌های مختلف اقتصاد بیشتر شده و با رشد ۵۰ درصدی مواجه می‌باشد. موتور توسعه هند به انرژی بیشتری در سال- های آینده نیازمند خواهد بود. ۹۰٪ انرژی، از منابع گاز تامین می‌شود که در سال ۲۰۰۶، رقمی معادل ۱۶۶ میلیون متر مکعب را در بر می‌گرفت. تا سال ۲۰۲۵، مصرف گاز در هند به ۳۲۲ میلیون متر مکعب افزایش می‌یابد.

رشد اقتصادی پاکستان در سال ۲۰۰۶ میلادی ۶/۸ درصد بود. این کشور از سال ۲۰۰۰ میلادی یک برنامه اقتصادی گسترده را طراحی کرد و به موجب آن یک رشته اصلاحات اقتصادی را آغاز کرد که مسائلی چون تنظیم بازار، تعدیل اقتصادی، خصوصی سازی در بخش انرژی، گسترش شبکه مخابراتی، اصلاح شبکه بانکی و نیز اصلاح بخش تجاری را در بر می‌گرفت. دولت پاکستان ناچار است تا در جهت تداوم حرکت بسوی بهبود وضعیت اقتصادی کشور، جهت افزایش تعامل و همیاری‌های منطقه‌ای تلاش خود را بکار گیرد که خط لوله صلح گامی مهم در این راستا محسوب می‌شود. به علاوه، پاکستان به عنوان معبر خط لوله که به هند و احتمالاً پس

از آن به چین می‌رسد، سالانه درآمدی معادل یک میلیارد دلار از این بابت دریافت خواهد کرد. این خط لوله، میدانهای نفتی و گازی در جنوب ایران را به خط لوله هزیرا و بجاییپور - جالدگیشپور در هند موسوم به (H.V.J) متصل می‌کند. (اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۴)

ایران با وجود در نظر گرفتن تخفیف برای این پروژه همچنان سالانه ۹/۵ میلیارد دلار از این پروژه درآمد خواهد داشت. این خط لوله همانند نامی که از همان ابتدا بر آن نهادند، پیام آور صلح و رفاه برای منطقه و مردم این منطقه می‌باشد. (توحیدی، ۱۳۸۶) تاکنون چالشها و عواملی در اجرایی شدن I.P.I تاثیرگذار بوده از جمله:

۱- عوامل اقتصادی:

- مشکلات مالی پاکستان: بخش ایرانی این خط لوله با هزینه ۲/۵ میلیارد دلار احداث و برای تکمیل آن حدود یک میلیارد دلار دیگر نیاز است. برای احداث بخش دوم در خاک پاکستان بطول ۷۸۰ کیلومتر دولت پاکستان برای تامین هزینه‌های آن با مشکلات بسیاری روبرو است. وام ۵۰۰ میلیون دلاری ایران نیز تاکنون کارساز نبوده است.

- توانایی پایین فناوری ایران: برای استخراج گاز نیاز به داشتن فناوری‌هایی در سطح بالا است که ایران در این زمینه ضعف جدی دارد. در نتیجه ورود شرکت‌های بین‌المللی صاحب فناوری با توجه به محدودیت‌های ورود فناوری به ایران به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های هر سه کشور تبدیل شده است.

- مشکل تعیین قیمت گاز: خریداران خواهان گاز ارزان و قابل رقابت با دیگر حامل‌های انرژی در بازار داخلی هستند ولی برای ایران قیمت گذاری باید به گونه‌ای باشد که بهای گاز صادراتی به هند و پاکستان در سنجش با دیگر بازارهای رقیب همچون بازار اروپا پایین‌تر نباشد تا منافع بلند مدت ایران نیز تامین شود.

۲- عوامل سیاسی امنیتی:

- تخاصم پاکستان - هند: اختلافات کنونی میان دو کشور در کوتاه مدت قابل حل و فصل نیست در نتیجه هند از اینکه پاکستان از خط لوله صلح بعنوان ابزاری برای اعمال فشار بر این کشور در مواقع بحرانی استفاده کند، نگران است.

فشارهای بین‌المللی بر ایران و مخالفت آمریکا با پروژه صلح و تقویت طرح رقیب آن مقامات آمریکایی از این امر نگران هستند که، نه تنها منافع مالی زیادی نصیب ایران می‌کند،

که قادر می‌سازد از طریق مزیت سازی امنیتی خود را به شبکه منطقه‌ای جنوب آسیا گره بزند. در این رابطه رایس وزیر خارجه وقت آمریکا در کمیته روابط خارجی سنا در آوریل ۲۰۰۶، گفت که ما نگرانی خود را در مورد برقراری روابط با ایران، آشکارا به هند از جمله در مورد طرح خط لوله و رأی جدید هند در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرده‌ایم. پاکستان نیز نقش تحریم‌ها در اجرایی نشدن خط لوله صلح را همواره به عنوان یکی از متغیرهای مهم مطرح کرده است. به طور کلی، در اجرایی شدن خطوط لوله صرفاً ملاحظات اقتصادی تعیین کننده نیست و عوامل سیاسی نیز دخیل هستند. بنابراین بازی‌های ژئوپلیتیکی در این میان مهمترین نقش را پیدا می‌کنند. مثلاً در اجرایی نشدن خط لوله صلح بیشتر از آنکه عوامل اقتصادی نقش داشته باشد عوامل سیاسی همچون نقش آمریکا در اعمال فشار بر هند و پاکستان و تحریم‌های بین‌المللی بر ایران تاثیرگذار بوده است، پس در اینجا وزن ژئوپلیتیک بر وزن ژئوآکونومیک نچربیده است. (طاهری، ۱۳۹۳)



دو خط لوله صلح و رقیب آن تاپی

نقش قدرت‌های مداخله‌گر و طرح‌های رقیب

از دیگر چالش‌های خط لوله صلح، خط لوله تاپی که مورد حمایت آمریکا می‌باشد. طرح خط لوله تاپی به طور رسمی در زمان رژیم طالبان (۱۹۹۴-۲۰۰۱) مورد بحث قرار گرفت که خط لوله بعد از گذشت از خاک افغانستان به پاکستان و سپس به هند برسد. در سال ۱۹۹۷ یک هیئت طالبان از ایالات متحده بازدید و در مورد خط لوله تاپی مذاکرات را انجام داد. جورج

دبلیو بوش، فرماندار تگزاس در آن زمان، از این پروژه حمایت کرد و اتحادیه نفت شرکت یونوکال کالیفرنیا برای ساخت این خط لوله ابراز آمادگی نمود. (طایع، ۱۳۹۷)

صرف نظر از موضوع برجام و سایر ملاحظات سیاسی با روسیه، با اشباع شدن یا از دست دادن بازار اروپا، بهترین گزینه برای ایران صادرات انرژی نفت و گاز خود به کشورهای همسایه خواهد بود. برای کسب منافع ملی و افزایش درآمد از محل صادرات نفت و گاز به کشورهای همسایه است که با کوتاه‌ترین، امن‌ترین و پایین‌ترین هزینه می‌تواند صادر کننده خوب و مؤثری برای منطقه و در اختیار گرفتن مشتریان و بازار منطقه باشد.

به نظر می‌رسد اختلافات ایران و ترکمنستان باعث هموار شدن احداث خط لوله تاپی شده است. چرا که تا قبل از قطع صادرات گاز ترکمنستان به ایران، گاز تولیدی کافی برای خط لوله تاپی را نداشت و ایران عملاً مشکل اساسی ترکمن‌ها را در تامین گاز تاپی حل و کلنگ احداث خط لوله تاپی در افغانستان به زمین خورد. ترکمنستان با قطع صادرات به ایران با مازاد گاز روبرو شد و با اختلافات پیش آمده بین شرکت ملی گاز ایران و ترکمنستان و ارجاع این اختلاف به داوری بین‌المللی، ترکمنستان فعالیت خود را برای اجرایی کردن و احداث خط لوله تاپی بیشتر نمود. از طرف دیگر در یک سال و نیم گذشته با تلاش ترکمنستان برای صادرات گاز مازاد خود از طریق تاپی، توانست عربستان را به عنوان سرمایه‌گذار برای این پروژه جذب کند. همچنین طالبان نیز که کنترل مسیر عبور تاپی را در دست دارند، امنیت عبور خط لوله تاپی را تضمین کردند. با ورود عربستان و طالبان به خط لوله تاپی، عملاً دو سد اصلی برای اجرای تاپی نیز برداشته شد. (راد، ۱۳۹۷)

ملاحظات و اغراض سیاسی و ژئوپلیتیکی از سوی برخی از قدرت‌های منطقه‌ای و فرا-منطقه‌ای موجب شده است ایران نتواند از ظرفیت‌های ژئواکونومیکی و ژئواستراتژیکی بهره مناسب را ببرد. اتخاذ سیاست‌هایی چون سیاست خطوط لوله و یا سیاست همه چیز به جز ایران که از سوی دولت‌های ایالات متحده با هدف حذف ایران از بازار انتقال انرژی در مناطق آسیای مرکزی، خزر، قفقاز و حتی شرق آسیا و اروپا صورت گرفت، در راستای رویکرد حذفی و مبتنی بر حاصل جمع صفر است. حمایت سیاسی، مالی و امنیتی آمریکا از خطوط انتقال انرژی احداث شده با رویکرد سیاسی مانند باکو-تفلیس-جیحان یا در دست بررسی نظیر ترانس-خزر نمونه‌های بارز آن به شمار می‌روند. نکته بسیار مهم طرح‌ها و پروژه‌های انتقال نفت و گاز، غیر اقتصادی بودن اکثر مسیرهای خطوط انتقال (ناباکو)، عدم تامین امنیت لازم (باکو-تفلیس

- جیحان) و پیامدهای منفی زیست محیطی (ترانس خزر) است. حال آنکه مسیرهای انتقال انرژی عبوری از ایران از ویژگی‌هایی چون کوتاه، امن و اقتصادی بودن، منطقی و توجیه عقلانی و اقتصادی برخوردار هستند.

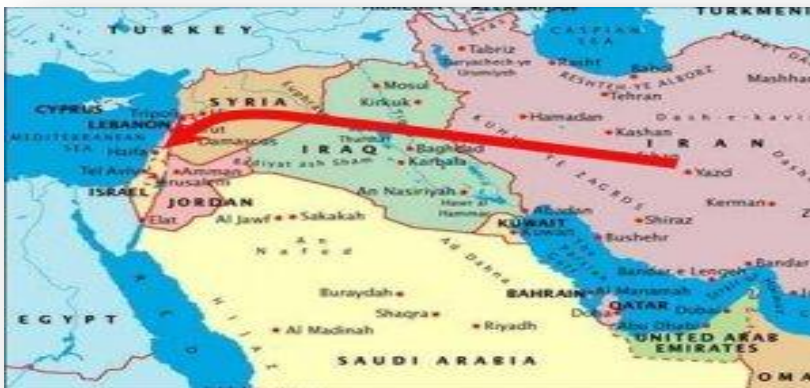
طبق قرارداد اولیه، صادرات گاز ایران به پاکستان اگر تا پایان دسامبر ۲۰۱۴ عملیاتی نمی‌شد. پاکستان باید ۳٪ ارزش صادرات گاز را به عنوان جریمه به ایران پرداخت می‌کرد. در نشست‌هایی که اخیراً طرف‌های ایرانی با پاکستانی داشتند به طور مکرر ایران از دریافت جریمه چشم‌پوشی کرده است. اخیراً وزیر نفت و منابع طبیعی پاکستان گفته است، علیرغم وجود مشکلات در تکمیل این پروژه به واسطه تحریم‌ها، پاکستان گام‌های مهمی را برای اجرا برداشته است. وزیر نفت و منابع طبیعی پاکستان اعلام کرد که یک شرکت چینی قرار است احداث خط لوله را تا پایان سال ۲۰۱۷ تکمیل کند. (www.asrebazar.com) البته با توجه به حضور هندی‌ها در ایران به منظور سرمایه‌گذاری ۲۰۰ میلیون دلاری در بندر چابهار و توافق سه جانبه (ایران، هند، افغانستان) توسعه بندر، به نظر می‌رسد پاکستانی‌ها برای تکمیل پروژه خط لوله صلح عجله بیشتری به خرج دادند چرا که نزدیکی هر چه بیشتر این کشورها می‌تواند به عنوان تهدیدی علیه منافع اقتصادی و استراتژیک پاکستان تعریف شود که دشمنی دیرینه‌ای با هند دارد و از کاهش نفوذ خود در افغانستان نیز در هراس است. (<http://www.parsine.com>)

سرمایه‌گذاری مشترک دو کشور در زمینه ساخت و توسعه نیروگاه‌های گازی تولید برق در نواحی مشترک مرزی می‌تواند زمینه ارتقای ضریب اشتغال در این مناطق مرزی شده و بدین وسیله ضریب امنیتی مرزها نیز ارتقا یابد. زمینه سازی ورود بخش‌های فنی و سرمایه‌گذاری خصوصی دو کشور در ایجاد نیروگاه‌های گازی تولید برق می‌تواند به ارتقای کاربرد گاز در هر یک از کشورها منجر شود. از سوی دیگر ترانزیت گاز ایران به هند از طریق پاکستان می‌تواند زمینه ارتقای درآمدهای ملی پاکستان را فراهم آورده و زمینه گفت‌وگویی میان این دو کشور در زمینه حل و فصل مسالمت‌آمیز تعارضات بین خود را تسهیل نماید. تجربه موفق حصول توافق دو جانبه انرژی با پاکستان را می‌توان از جمله تجارب موفق دیپلماسی انرژی کشور قلمداد نمود. همیاری و همدلی بین دستگاه دیپلماسی کشور و بدنه تخصصی وزارت نفت در کنار تلاش‌های پیگیرانه مسئولان مذاکراتی دو کشور، نقش مهمی در این میان برعهده داشته است. (علیخانی، ۱۳۹۲)

از نقطه نظر دیپلماسی انرژی، تزریق گاز ایران به این خط لوله در حکم تزریق خون جدیدی در کالبد روابط ایران پاکستان و تعمیق روابط سیاسی، اقتصادی و تاریخی محسوب می‌گردد. برای ترانزیت گاز به این طرح گام‌های موثری را در حوزه‌های فنی، عملیاتی، حقوقی و مدیریتی طلب می‌نماید.

۳- طرح خط لوله اسلامی:

پس از طرح آمریکائی خط لوله ناباکو که ایالات متحده با سیاست و فعالیت خود اجازه نمی‌داد ایران در بازار گاز اروپا حضور داشته باشد، یکی از راه‌های مقابله با آن، ارائه طرح خط لوله اسلامی بود که ایران می‌خواهد از مسیر عراق، سوریه و لبنان و از طریق دریای مدیترانه گاز خود را به بازارهای اروپا عرضه کند. قرار است این خط بطول ۵۰۰۰ کیلومتر با قطر ۵۶ اینچ و ظرفیت ۵۵ میلیارد متر مکعب (حدود دو برابر ظرفیت ناباکو) با هزینه‌ای بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار احداث گردد. این مسیر امن و به صرفه بود لیکن پس از مخالفت سوریه با طرح انتقال گاز قطر- سوریه ترکیه منجر به جنگ و بحران در سوریه و عراق گردید. (کندی، ۲۰۱۶) در این طرح که ایالات متحده نتوانسته بود کشورهای عراق و سوریه را متقاعد به خط لوله گاز قطر نماید و از طرفی این دو کشور از خط لوله اسلامی حمایت کردند، آمریکا مجبور به جنگ نیابتی و ایجاد گروه‌های تروریستی با همکاری عربستان، قطر و امارات شد. این یعنی قرن ۲۱ جنگ برای مسیر انتقال و احداث خط لوله نفت و گاز خواهد بود. در این طرح زور ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و دیپلماسی خط لوله ایران بر قدرت‌های فرامنطقه‌ای چون آمریکا چربیده بود.



موقعیت خط لوله اسلامی

۴- طرح خط لوله پارس:

طرح انتقال گاز پارس^۱ با هدف حضور ایران در بازی‌های خط لوله بازار اروپا در مقابل سایر طرح‌های آمریکا و اتحادیه اروپا همچون ناباکو مطرح گردید. این خط، گاز ایران را از طریق ترکیه، یونان، ایتالیا، سوئیس و سپس به اتریش و آلمان منتقل نماید. خط لوله پارس نیز رقیب ناباکو و مورد مخالفت آمریکا است. این خط لوله به قطر ۴۸ اینچ با ظرفیت ۴۰ میلیارد مترمکعب گاز به طول ۳۷۴۵ کیلومتر ادامه خط لوله نهم سراسری ایران خواهد بود.



مسیر خط لوله پارس

طبق پروژه خط لوله پارس صادرات گاز به اروپا نیز به منظور حضور فعال در بازارهای بالقوه کشورهای اروپایی و انجام معاملات پویاتر در حوزه انرژی، همچنین ایفای نقش اساسی بعنوان یکی از تامین‌کنندگان اصلی گاز برای این قاره، که ادامه احداث خط لوله گاز سراسری ایران AGIT 9 به طول ۱۸۶۳ کیلومتر از عسلویه (میدان گازی پارس جنوبی) تا مرز بازرگان تعریف شده است و از آنجا از طریق خط لوله موجود در اروپا، گاز ایران را به بازارهای مصرف می‌رساند. پیش‌بینی می‌شود این خط سالانه ۳۵ تا ۴۰ میلیارد متر مکعب گاز را منتقل خواهد کرد. این خط با هدف جایگزین نمودن صادرات گاز مایع LNG به اروپا احداث می‌گردد. مسیر این خط اروپای غربی خواهد بود، شاید به این معنی باشد که ایران ملاحظات سیاسی با روسیه را مد نظر قرار داده است.

¹ - Persian Pipeline

طرح جدید برای انتقال گاز به هند

بر اساس مطالعات صورت گرفته یک مؤسسه هندی احداث یک خط لوله ۱۳۰۰ کیلومتری ایران به هند از طریق دریا، بدون عبور از خاک پاکستان می‌تواند گاز را با قیمتی پایین تر از LNG بازارهای منطقه‌ای به هند بیاورد.

تی ان آر راثو، از مقامات سابق وزارت نفت هند با انتشار نتایج مطالعه‌ای درخصوص خط لوله انتقال گاز ایران هند گفت، قیمت هر واحد حرارتی گاز وارداتی این خط لوله ۴ میلیارد دلاری به ساحل هند ۵ تا ۵/۵ دلار خواهد بود که ارزانتر از گاز تولیدی از برخی میادین داخلی هند است و قیمت گاز مایع LNG وارداتی از طریق کشتی به هند نیز حدود ۷/۵ دلار در هر واحد حرارتی است. وی که ریاست مؤسسه مشورتی ساوت آسیاگاز انترپرایز SAGE را بر عهده دارد گفت: این خط لوله می‌تواند ابتدا به عمان و از آنجا به پوربندر درگجرات هند امتداد یابد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که هزینه گاز ارسالی از طریق این خط لوله زیر دریا حداقل ۲ دلار ارزان تر از ال ان جی وارداتی است و موجب صرفه جویی سالانه یک میلیارد دلاری هند می‌شود. مؤسسه SAGE از دولت هند خواسته است، تا از احداث این خط لوله حمایت کند و به خریداران برای انعقاد قرارداد با ایران کمک نماید. این خط لوله برای انتقال روزانه ۳۱/۵ میلیون مترمکعب گاز از ایران به هند طراحی شده و می‌تواند در طی مدت ۲ سال احداث شود. این خط لوله، یک گزینه جایگزین برای پروژه نیمه تمام خط لوله صلح، مطرح شده است. هند از سال ۲۰۰۷ به دلایل امنیتی و تجاری و مشکلاتش با پاکستان در مذاکرات مربوط به خط لوله موسوم به صلح شرکت نمی‌کند، اما هیچگاه به صورت رسمی از این پروژه ۷/۶ میلیارد دلاری انصراف نداده است. براساس این پیشنهاد جدید، باید یک خط لوله زیر دریا به طول ۱۳۰۰ متر با دور زدن منطقه انحصاری اقتصادی پاکستان بین ایران و هند کشیده شود. (تسنیم و میزنف، ۱۳۹۶)

این مطالعه، بیانگر این است که هند نسبت به رفع نیاز خود از هر تلاشی فروگذار نخواهد کرد. علیرغم اینکه برای اجرای طرح خط لوله صلح طفره می‌روند اما آن را رد نکرده و از طرف دیگر نسبت به بررسی و مطالعه راه‌های دیگری برای نیل به گاز ایران هستند. نیاز هند به گاز تا سال ۲۰۲۱ دو برابر شده که تحلیلگران انرژی پیش بینی می‌کنند که طی ۳۰ سال آینده، هند به دومین مصرف کننده سوخت‌های کربنی جهان تبدیل شود. در آن زمان، منابع نفت و گاز ایران به چیزی فراتر از ابزاری راهبردی برای توسعه هند و در واقع به یک ضرورت، تبدیل

می‌شوند. پس هندی‌ها ایران را بهترین شریک تجاری می‌دانند ولی به دنبال راهکارهایی هستند که پرستیژ و قدرت سیاسی آنها را تحت سؤال نبرد. بنابراین، این یک فرصت است برای ایران، که با بهره‌گیری از قدرت دیپلماسی خود، از آن در جهت افزایش منافع خود استفاده کند.

باید توجه داشت که در روزهای اوج تحریم‌ها، هند تشنه انرژی، یکی از واردکنندگان مهم نفت خام از ایران بود. از زمانی که تحریم‌ها در سال جاری برداشته شد، ایران صادرات نفت خام خود را به هند دو برابر کرده و به سومین تأمین‌کننده اصلی نفت خام در این کشور بدل شد. با وجود همراهی هند با آمریکا در جریان اختلاف ایران با چند قدرت بین‌المللی بر سر برنامه هسته‌ای، دو طرف با تقویت روابط، درایت و پختگی خود را نشان داده‌اند.

روزی که شرکت‌های بین‌المللی نفت برای امضای قراردادهای پر سود با ایران صف کشیده بودند، ایران به سرمایه‌گذاری هند در میدان گازی فرزاد B در خلیج فارس تأکید کرد، از طرفی پس از بی‌میلی هند به خط لوله ایران پاکستان (در نتیجه فشار آمریکا) بسیاری از تندرورها در ایران تأکید داشتند که دولت میدان گازی فرزاد B را برای سرمایه‌گذاری خارجی باز کند.



طرح خط لوله دریائی ایران عمان هند

موقعیت جغرافیایی هند و نزدیکی این کشور به ایران، و شرایط توسعه هند، آن را به مشتری طبیعی و بلامنزاع منابع عظیم نفت و گاز ایران تبدیل کرده است. با توجه به تاریخ پر تنش رابطه این کشور با پاکستان، منطقی به نظر می‌رسد که هند به دنبال خط لوله گازی زیر دریا باشد که گاز ایران را از چابهار و از طریق عمان به بندر پور بندر در گجرات هند منتقل

کند. خط لوله خاورمیانه به هند در آبهای عمیق که از عمان می‌گذرد و با هر دو کشور ایران و هند روابط نزدیکی نیز دارد، همان گزینه معقول و منطقی است. ایران نیز باید نسبت به بررسی این طرح جدید اقدام نماید و در صورت مناسب بودن آن با یک تیر دو نشان خواهند زد. یکی اینکه انتقال گاز به عمان عملیاتی گردد و از طرفی صادرات گاز را به هند دنبال کنند و در نتیجه به بازار شرق آسیا نیز دسترسی می‌یابند.

خطوط لوله صادراتی بازیگران اصلی بین‌المللی با تاکید بر گاز طبیعی

خطوط لوله صادراتی ایران بیشتر به برخی کشورهای همسایه کشیده شده است که پیشتر ارائه کردیم. اما آمارهای موجود در سطح جهانی رسمی و غیررسمی بیانگر این است که انرژی به گاز در جهان به نحو چشمگیری رو به افزایش است. براساس این آمارها پیش‌بینی می‌شود که روند مصرف انرژی نفت و گاز در سالهای آتی سیر صعودی داشته باشد. این در حالی است که عمر ذخائر گاز جهان به عبارتی نسبت مصرف گاز طبیعی به مراتب بیش از نفت است لیکن تمرکز جغرافیایی یا پراکنش جغرافیایی آن در برخی از کشورها از نفت هم بیشتر است. این کشورها که در واقع جایگاه استراتژیک و اصلی در تامین انرژی گاز جهان را بر عهده دارند، روسیه، ایران، قطر، ترکمنستان، الجزایر و نروژ، که اغلب عضو مجمع کشورهای صادر کننده گاز طبیعی (GECF) می‌باشند، را می‌توان نام برد. در کنار این جایگاه استراتژیک تراز عرضه و تقاضای گاز جهان، سرمایه‌گذاری‌های مربوط به توسعه میادین و احداث خط لوله و سایر تاسیسات مربوط به گاز از چنان برجستگی و ماهیتی برخوردار است که در مقایسه با نفت، سرمایه، زمان و تکنولوژی بیشتر در سطح بالاتری را طلب می‌کند. بنابراین همکاری‌های فنی و اقتصادی نیازمند بستر سیاسی با ثبات، روابط دیپلماتیک پایدارتر و قابلیت پیش‌بینی نسبتاً بلند مدت می‌باشد. حال در کنار این ویژگی، ویژگی تمیز بودن گاز طبیعی و امتیازات آن از نظر مسائل زیست محیطی را بیافزاییم، در می‌یابیم که چرا از صاحب نظران، قرن ۲۱ را از نظر سوخت و انرژی برتر، قرن گاز می‌نامند. حال اینکه قرن ۲۰ عصر ذغال سنگ و نفت بوده است. در این شرایط رتبه دوم ذخائر گازی جهان پس از روسیه در اختیار جمهوری اسلامی ایران است.

ایران از نظر توان فنی و مسائل ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در ارتباط با طرح‌های انتقال گاز، صدور و ترانزیت منطقه‌ای و بین‌المللی، از شرایط و موقعیت ممتازتری از

سایر کشورها برخوردار است. ایران به هر دو بازار بزرگ آسیا و اروپا و بازار جهانی خلیج فارس بطور فوق العاده برجسته و به صورت یکسان و تاثیرگذاری دسترسی دارد.

جمهوری اسلامی ایران میان دو قطب انرژی جهان یعنی دریای خزر و خلیج فارس قرار گرفته و ظرفیت بسیار بالایی در ترانزیت و مبادله نفت و گاز صادراتی در شمال، غرب و جنوب برخوردار است. (میرترابی و ربیعی، ۱۳۹۱) با این موقعیت ایران می‌تواند حتی از طریق معاوضه (سواپ) انرژی با کشورهای همسایه از طریق خاک خود نیز درآمدهای خوبی کسب نماید. شرکت سرمایه‌گذاری غدیر از هلدینگ برق و گاز، با انتقال ۵ میلیون متر مکعب که از سال بعد ۷ میلیون مترمکعب گاز ترکمنستان به جمهوری آذربایجان، ۱۰۰ میلیارد تومان سود خالص و درآمد کسب می‌کند (صدا و سیمای ج.ا.ا، ۱۳۹۵) و همچنین می‌تواند نفت عراق را به عمان و گاز قطر را به مبادی غربی برساند. موقعیت ایران در ارتباط با مسیرهای انتقال نفت و گاز نیز منحصر به فرد است. سراسر کرانه‌های شمال خلیج فارس و تنگه هرمز به آبهای آزاد را در اختیار دارد. یعنی اتکا به تنها یک مسیر صادراتی، آسیب‌پذیری کشور را در برابر اقدامات خرابکارانه^۱ و تهدیدهای^۲ دیگر با مشکلات مواجه نخواهد شد و راههای زیادی برای صدور انرژی، برای ایران وجود دارد. آمارها نشان می‌دهد که تقاضای جهانی برای گاز طبیعی در خلال دهه اول قرن ۲۱، بطور متوسط سالانه ۲/۶ درصد رشد داشته است و از ۲/۴۶ تریلیون مترمکعب در ابتدای قرن ۲۰ به ۳/۱۷ تریلیون متر مکعب در پایان دهه اول قرن افزایش یافته است.

میزان ذخائر، تولید و مصرف گاز طبیعی منطقه خلیج فارس و خاورمیانه تا پایان ۲۰۱۲ منبع: B.P(2013)

کشور	ذخائر (تریلیون متر مکعب) TCM	تولید (میلیارد متر مکعب) BCM	مصرف (میلیارد متر مکعب) BCM	در داز کل جهان
جمهوری اسلامی ایران	۱/۳۳	۵/۱۶۰	۱/۱۵۶	٪ ۱۶
قطر	۲۵	۱۵۷	۲/۲۶	٪ ۱۲
عربستان سعودی	۳/۸	۸/۱۰۲	۸/۱۰۲	٪ ۹/۳
امارات متحده عربی	۱/۶	۷/۲	۹/۶۲	٪ ۲

¹ - Subversive

² - Threats

میزان ذخائر، تولید و مصرف نفت خام منطقه خلیج فارس و خاورمیانه تا پایان ۲۰۱۲منبع (B.P(2013)

کشور	ذخائر (میلیارد بشکه)	تولید (هزار بشکه)	مصرف (هزار بشکه)	درصد از کل جهان
عربستان سعودی	۲۶۷۹۱۰	۱۱۵۳۰	۲۹۳۵	٪ ۱۸/۱
جمهوری اسلامی ایران	۱۵۴۵۸۰	۳۶۸۰	۱۹۷۱	٪ ۱۰/۴
عراق	۱۴۱۳۵۰	۳۱۱۵	-	٪ ۹/۵
کویت	۱۰۴	۳۱۲۷	۴۷۶	٪ ۷/۰۵
امارات متحده عربی	۹۷۸۰۰	۳۳۸۰	۷۲۰	٪ ۶/۶
قطر	۲۵۳۸۰	۱۹۶۶	۲۵۰	٪ ۱/۷
باقی خاورمیانه	۷۹۶۶۴۰	۲۸۲۷۰	۸۳۵۴	٪ ۵۴/۰۵
کل جهان	۱۴۷۳۷۶۱	۸۶۱۵۲	۸۹۷۷۴	٪ ۱۰۰

میدان شاه دنیز آذربایجان و خط لوله ۳۵۰۰ کیلومتری کریدور گاز جنوبی به ۴۰ میلیارد دلار می‌رسد، اما ایران با احداث چند خط لوله کوچک و کوتاه با هزینه بسیار کم، می‌تواند صادرات گاز به عراق، عمان، ترکیه، ارمنستان، امارات و سایر همسایگان را آغاز کند. ایران به راحتی می‌تواند گاز طبیعی خود را صادر نماید. (خاتین اوغلو، ۲۰۱۸)

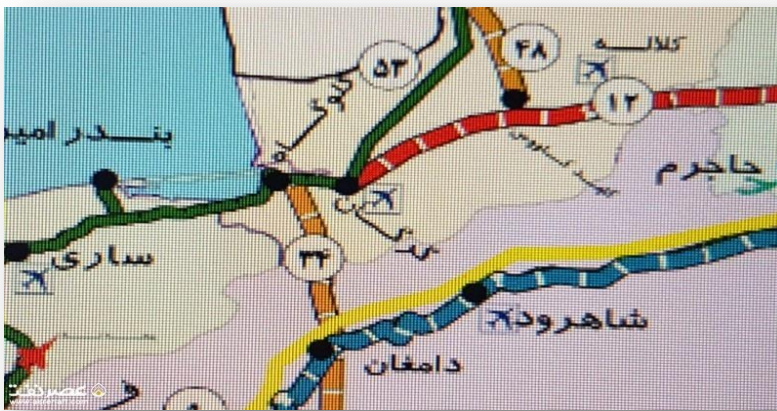
به این ترتیب ایران عملاً و بدون دغدغه می‌تواند بیش از ۵۰ میلیارد مترمکعب گاز صادر و سالانه ۱۳ تا ۱۴ میلیارد دلار درآمد داشته باشد و از این طریق منافع ملی خود را افزایش دهد. همان طور که یک خط لوله مستقل اخیراً آماده گردیده و سالانه مقدار ۲۰ میلیارد متر مکعب گاز ایران را به عراق صادر می‌کند. طول خط لوله در عمق عراق ۳۰۰ کیلومتر است و در ایران از میدان گازی پارس جنوبی تامین می‌گردد.

تحریم‌ها بعنوان عامل خارجی سرعت سرمایه‌گذاری و مبادلات را کاهش داد. حداقل تا سال ۲۰۱۰ و محدودیت‌هایی ایجاد کرد، اما مانع اصلی صادرات انرژی به ویژه گاز نبوده است. حزب گرایی در اقتصاد سیاسی، تعارض و تضادهای سیاسی، برخی مخالفت‌ها با مشارکت و سرمایه‌گذاری خارجی و یارانه‌ها و میزان مصرف گاز ۴ عامل درونی ایران به عنوان چالش‌های بزرگ صادرات انرژی به حساب می‌آیند. چالش دیگر به دلیل وجود ضعف و نواقص داخلی باعث طمع بیگانه است. اینکه ترکمنستان به خود جرات می‌دهد در سرمای زمستان (۱۳۸۶ و ۱۳۹۵) گاز را به استان‌های شمالی ببندد، ناشی از نقاط ضعف و خلاء موجود، به عنوان فرصت برای ترکمنها و به بهانه قیمت گاز می‌باشد. اگر ایران خط لوله تهران - گرمسار - سمنان - نکا را احداث می‌کرد، نه تنها موجبات نارضایتی مردم استان‌های شمالی ایجاد نمی‌گردید که خسارت و جریمه‌های آن را نیز از جیب، پرداخت نمی‌کرد.

در این راستا احداث خط لوله ۴۸ اینچی به طول ۱۷۰ کیلومتری دامغان - کیاسر - ساری - نکا از سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۶ با هزینه‌ای بالغ بر ۸۲۰ میلیارد تومان به طول انجامید. (سایت عصر ایران، ۱۳۹۶) این خط انحراف از دو خط لوله اصلی بوده و می‌خواهد ۱۲۰ میلیون متر مکعب گاز را به استان‌های شمالی ببرد، از طرفی این خط انحرافی، به گفته کارشناسان توان انتقال این حجم گاز را ندارد، که شرکت ملی گاز ایران این همه تبلیغات رسانه‌ای بکار بسته است. ملاحظات سیاسی در ایران از یک دولت به دولت دیگر متفاوت است. به نظر می‌رسد سال ۸۶ ترکمنستان با بداخلاقی اقتصادی از شرایط کشور و سرمایه‌بی سابقه‌ای که ایران را فرا گرفته بود قیمت گاز را برای ۶ ماه چند برابر کرد و وزارت نفت هم مجبور به پذیرش درخواست این کشور شد. پس از سپری شدن این ماجرا شورای اقتصاد مصوبه‌ای را به وزارت نفت ابلاغ کرد که براساس آن، وزارت نفت باید با طراحی و اجرای خط لوله یازدهم سراسری، گاز عسلویه را به دامغان - کیاسر - ساری - نکا برساند تا تامین گاز ۶ استان شمالی کشور تضمین شود. بر این اساس خط لوله ۱۱۰۰ کیلومتری از عسلویه تا دامغان با ظرفیت انتقال ۱۲۰ میلیون مترمکعب گاز در دستور کار قرار گرفت. همزمان با آغاز عملیات ابتدایی این خط لوله، کار ساخت خط لوله دامغان کیاسر به طول ۱۷۵ کیلومتر هم آغاز شد تا بتوان پیش از اتمام خط لوله سراسری یازدهم، از این خط به عنوان یک خط لوله کمکی برای استان‌های شمالی کشور بهره برد. تا سال ۹۲ کار طراحی و فاینانس خط لوله سراسری یازدهم در حال انجام بود که دولت یازدهم بر سر کار آمد. همان سال اول وزیر نفت، تصمیماتی اخذ کرد که این پروژه را از اولویت شرکت ملی گاز خارج کرد. کار ساخت این خط لوله به حال خود رها شد و در سال ۹۳ وزیر نفت که گفته بود تا پایان سال ۹۴ از واردات گاز ترکمنستان بی‌نیاز می‌شویم، در تاریخ ۲۰ مرداد ۹۳ در نخستین همایش هماهنگی صدور کالا، خدمات فنی و مهندسی صنایع نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی به ترکمنستان رسماً از علاقه ایران برای واردات گاز از این کشور اشاره کرد و افزود: ایران به گاز ترکمنستان نیازی ندارد، بلکه هدف ایران از واردات گاز از ترکمنستان ایجاد فرصت اشتغال برای فعالان اقتصادی بخش خصوصی ترکمنستان است و چون روابط ما با این کشور استراتژیک است به همکاریمان ادامه می‌دهیم. (میز نفت، ۱۳۹۶) مجدداً در سال ۹۵ ترکمنستان به دلیل بدعهدی شرکت ملی گاز ایران به طور یک طرفه جریان گاز را قطع کرد. با این اقدام ترکمنها، وزارت نفت برای تامین مصارف خانگی استان‌های شمالی مجبور به

قطع گاز کارخانه‌ها و صنایع، نیروگاه‌ها و جایگاه‌های CNG شد و همان روزها دستورساخت خط لوله دامغان- نکا نیز صادر شد.

قرار شد خط لوله‌ای در ادامه خط لوله عسلویه - دامغان ساخته شود تا بتواند بطور اختصاصی گاز را از جنوب ایران به شمال کشور منتقل کند. خط لوله دامغان- نکا به طول ۱۷۵ کیلومتر یک خط لوله شرقی به غربی در نوار شمالی کشور است و خط دیگری به موازات آن، خط لوله‌ای بین تهران- سمنان انحراف گردیده است. با این ابتکار قرار است بخشی از گازی که از تهران به سمنان می‌رود در میانه راه به شمال کشور نیز منتقل شود.



موقعیت خط لوله دامغان نکا

ابتکار شرکت ملی گاز صرفاً یک راهکار موقتی است که همچنان مشکل را حل نکرده باقی گذاشته است. نکته حائز اهمیت این است که وزارت نفت از این خط لوله ۱۷۵ کیلومتری به عنوان یک حماسه یاد کرد و آن را رسانه‌ای نمود. حتی اگر تولید گاز ۵ برابر شود به دلیل عدم ظرفیت خطوط لوله انتقال گاز تهران - سمنان، هدف مد نظر وزارت نفت دوراز دسترس است. ایران تاکنون موفق به ایجاد شبکه خطوط لوله نگرديده و خطوط لوله موجود، منفک از هم که خود باعث ضعف در سوخت رسانی کشور شده است. خطوط لوله اصلی داخلی نه تنها باید با یکدیگر ارتباط داشته بلکه قابلیت اتصال به شبکه‌های بین‌المللی را نیز داشته باشد.

طرح خط لوله استراتژیک نکا- جاسک

این خط لوله مهمترین و استراتژیک‌ترین، زیرساخت و احیا مشوق‌های لازم برای تأمین

انرژی نفت و گاز به بازارهای جهانی، محسوب می‌گردد و قدرت چانه زنی و تسریع در رسیدن به منافع ملی و افزایش منافع را در بر خواهد داشت که به علاوه بر امنیت ملی و منطقه‌ای ایران نیز مؤثر خواهد بود. اگر خط لوله نکا- جاسک به سرعت عملیاتی و احداث گردد، کشورهای متقاضی گاز همچون امارات و عمان و بازار انرژی خلیج فارس در جنوب و کشور- های روسیه، جمهوری آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان به این خط لوله آماده، امن، اقتصادی و مقرون به صرفه با هدف امنیت عرضه و تقاضا خواهان معامله با ایران می‌گردند. این سرمایه گذاری، درآمدهای زیادی را بدون دغدغه عاید ایران خواهد کرد. اینکه چرا این طرح عملیاتی نمی‌گردد، جای بسی تامل است. حداقل پس از احداث، این توقع وجود دارد که ایران از آن برای انتقال نفت، گاز و حمل و نقل داخل کشور از آن بهره می‌برد. از آنجا که عمده مراکز تولید نفت ایران در جنوب کشور قرار دارند و بیشتر جمعیت انسانی و صنایع بزرگ و همچنین ۴ پالایشگاه کشور در بخش شمالی کشور واقع شده‌اند، بنابراین دولت مجبور به رساندن بخش زیادی از نفت تولیدی خود به نیمه شمالی کشور است. این انتقال، هزینه‌های زیادی را به اقتصاد کشور تحمیل می‌کند که در صورت استفاده مناسب از موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک کشور علاوه بر کاهش این هزینه‌ها می‌توان درآمد سرشاری را نیز برای کشور ایجاد کند. روزانه یک میلیون بشکه ظرفیت خط لوله نکا - جاسک است، اگر از طریق خاک ایران انتقال داده شود بر حسب هر بشکه حق ترانزیت ۶ دلار روزانه ۶ میلیون دلار درآمد خواهد داشت به علاوه باید اشتغالزایی در هنگام ساخت خط لوله و بهره برداری از آن را نیز به آن درآمدها اضافه کرد. (آصفی و دیگران، ۱۳۹۵)، خط لوله نکا - جاسک اهمیت استراتژیک پیدا می‌کند. اگر چه بخشی از نفت تولیدی جنوب به وسیله خط لوله به شمال کشور منتقل می‌گردد ولی بخش زیادی از آن نیز بوسیله نفتکش‌های جاده پیما حمل می‌شود. اگر از کل مصرف داخل حدود یک میلیون و هشتصد هزار بشکه فقط ۵۰ درصد نفت مورد نیاز به کانون‌های مصرف در نیمه شمالی کشور توسط نفتکش‌های جاده‌ای منتقل گردد برابر ۹۰۰ هزار بشکه یعنی ۱۴۴ میلیون لیتر در روز است و اینکه ظرفیت استاندارد هر نفتکش جاده‌ای ۲۸ هزار لیتر، معادل ۱۷۵ بشکه ۱۶۰ لیتری است. این محاسبات نشان می‌دهد، انتقال این حجم از نفت روزانه ۵۱۴۳ نفتکش تریلر باید مسافت جنوب تا شمال کشور را طی نماید، که علاوه بر مصرف سوخت، موجب آلودگی هوا و افزایش بارترافیکی جاده‌های کشور شده است و همچنین باعث حوادث جاده‌ای نیز می‌گردد. از طرفی هزینه حمل و نقل هر کدام آنها را نیز به این هزینه‌ها

باید افزود. به علاوه یکی از پروژه‌ها در قالب استفاده از بیضی انرژی می‌تواند تعریف خط لوله نکا- جاسک باشد که نفت و گاز روسیه، ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان را در دریای عمان به بازار جهانی انرژی به مشتریان آنها تحویل دهد.

بنابراین اجرایی و احداث شدن پروژه‌هایی همچون خط لوله نکا جاسک علاوه بر مزیت‌ها و فوائد اقتصادی، تجاری، افزایش قدرت چانه زنی ایران در مناسبات منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، با پیوند خوردن امنیت خطوط لوله با امنیت ملی ایران، افزایش ضریب امنیت ملی ایران را نیز در پی خواهد داشت. این طرح زیر ساخت کریدور شمال جنوب نیز محسوب می‌گردد.

جدول مقایسه طول خط لوله کشورهای عضو مجمع GECF منبع: CIA World Fact Book

رتبه	نام کشور	طول خط لوله به کیلومتر
اول	روسیه	۱۶۰۹۵۲
دوم	ایران	۲۰۱۵۵
سوم	الجزایر	۱۶۳۶۰
چهارم	مصر	۶۶۲۸
پنجم	ونزوئلا	۵۳۴۷
ششم	بولیوی	۵۳۳۰
هفتم	عمان	۴۲۰۹
هشتم	لیبی	۳۲۱۶
نهم	نیجریه	۲۷۵۶
دهم	قطر	۹۸۰
یازدهم	ترینیداد و توباگو	۶۷
دوازدهم	گینه	۳۷

به وضوح مشخص است که نقش آفرینی ایران در تامین امنیت انرژی و انتقال انرژی نفت و گاز با ابزار خط لوله می‌تواند به خودی خود همگرایی کشورهای همسایه را نیز در برداشته و زمینه‌های همکاری در ابعاد دیگر را ایجاد کند. حیات سیاسی و سلامت اقتصادی منطقه و جهان در بخش انرژی را نیز، احداث خط لوله‌های مهمی چون نکا - جاسک تضمین می‌کند.

برخی منابع چنین عنوان می‌کنند: جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از ۱۴ هزار کیلومتر خطوط لوله انتقال نفت و بیش از ۲۲ هزار کیلومتر خطوط لوله انتقال گاز دارای طولانی‌ترین شبکه خطوط لوله نفت و گاز در منطقه خاورمیانه است. (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۰) ایران به عنوان باثبات‌ترین و امن‌ترین کشور منطقه، بهترین معبر برای خطوط لوله انرژی نفت و گاز کشورهای همسایه است و جایگاه بی‌بدیل، ژئوپلیتیک انرژی و امنیت غیرقابل انکار ایران

باعث گردیده که پس از بحران، اوکراین و اختلافاتی که بین روسیه و اروپاییان ایجاد شد، اتحادیه اروپا علاقه مند به تعامل و همکاری با ایران هستند.

از طرفی در راستای مذاکرات هسته‌ای و خروج آمریکا از توافق نامه هسته‌ای (برجام) بین ۵ عضو دائم شورای امنیت و آلمان به طرفیت جمهوری اسلامی ایران، امروز تروئیکا^۱ و اتحادیه اروپا در تضاد با آمریکا بر سر دوراهی در مانده است. چرا که مذاکرات هسته‌ای را آمریکا با ایران انجام می‌داد و سپس اروپا را وادار به پذیرش آن می‌نمود. اکنون آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک یک طرفه خارج شد و توقع دارد که اروپا نیز از وی تبعیت کند که در صورت چنین اتفاقی استقلال و حاکمیت مستقل اروپا در جهان تحت سؤال قرار خواهد گرفت. از طرفی مصرف انرژی اروپا رو به افزایش است و شیر نفت و گاز کشورهای دارنده انرژی در اختیار آمریکاست به جزء ایران که خود مستقل و تصمیم‌گیرنده است. در چنین شرایطی اروپا برای امنیت انرژی خود به ایران نیاز مبرم خواهد داشت. بنابراین بهترین فرصت برای ایران رقم خورده است که با دیپلماسی نسبت به ایجاد فرصت برای اروپا و تشویق آنها برای تفاهمنامه و سپس قراردادهای نفتی وگازی پیشگام شده و ضمن اخذ تضمین‌های لازم از اتحادیه و سه کشور اروپائی (فرایسه، انگلیس، آلمان)، چین و روسیه، زمینه‌های لازم از جمله خطوط لوله انتقال انرژی را احیاء نماید.

هزینه احداث خط لوله

بر اساس منابع آماری در سایت کشورهای صادر کننده گاز طبیعی GECF در سال ۲۰۱۲ هزینه ساخت و احداث خط لوله را ارائه نموده است. هر ۱۰۰۰ کیلومتر خط ۴۸ تا ۵۶ اینچ برابر ۲ تا ۲/۵ میلیارد دلار است. یعنی در ازاء هر یک اینچ خط لوله در ۱۰۰۰ متر حدود ۵۰ هزار دلار هزینه نیاز دارد. (Cedigaz, GECFsecretariat, 2012) بنابراین برای احداث خط لوله ۵۰ اینچی در هزار کیلومتر ۲/۵ میلیارد دلار هزینه لازم ست. احداث خط لوله ۱۵۰۰ کیلومتری نکا - جاسک حداکثر ۳/۷۵ میلیارد دلار هزینه نیاز دارد. با این توصیف به نظر می‌رسد از آنجا که این سرمایه‌گذاری نه تنها درآمد زاست، که امنیت ملی کشور و اشتغال را نیز افزایش می‌دهد، راهبردی و ضروری تلقی می‌گردد.

^۱ - اصطلاحاً به سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه گفته می‌شود.

ایران در بیضی استراتژیک انرژی و بین دو منبع انرژی دریای خزر و خلیج فارس، قرار دارد که به عقیده کمپ این منطقه به تنهایی بیش از ۶۰٪ ذخائر اثبات شده نفت جهان را داراست و قادر به برآوردن بیشترین تقاضای در حال رشد انرژی جهان خواهد بود. (مجتهدزاده، ۱۳۹۰) و بسیاری از مباحث دیگر ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی، وابستگی متقابل^۱ و نظریه بازی‌ها^۲، ایران به عنوان قدرت بلامنازع در روابط بین‌الملل در دیپلماسی خط لوله نفت و گاز بسیار برجسته و پر اهمیت است و با استفاده از این دیپلماسی نقش برجسته خود را ایفا کند.

در این شرایط از آغاز قرن ۲۱، رقابت میان قدرت‌های بزرگ بر سر منابع انرژی و خطوط لوله، به شدت افزایش یافته و به نظر می‌رسد منابع انرژی به عنوان یکی از مهمترین متغیرهای ژئوپلیتیک نظام سیاسی^۳ کنونی جهان در تعاملات بین‌المللی^۴ میان کشورها و نیز انتقال از میان کشورها، مکانها و فضاهای بدون انرژی یا نیازمند انرژی، کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال انرژی از اولویت‌های کشورها می‌باشد. (بروجردی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱) در این میان جمهوری اسلامی ایران به نسبت از همه ویژگی‌ها برخوردار و از موقعیت ممتاز و بی‌بدیلی برخوردار است. طول مرزهای زمینی گسترده با کشورهای دارای نفت و گاز غنی، خود نیز دارای منابع نفت و گاز فراوان، دسترسی به آبهای آزاد بین‌المللی همه از اهمیت، برجستگی و ممتاز بودن ایران به حساب می‌آید.

نتیجه‌گیری و توصیه‌های راهبردی

عموم صاحب نظران به بسیج امکانات مادی و معنوی یک کشور برای حصول منافع ملی و افزایش آن تاکید کرده‌اند. جمهوری اسلامی ایران باید با تجمیع امکانات، دیپلماسی خط لوله نفت و گاز را تدوین نماید. امکانات و زیرساخت‌های دیپلماسی انرژی خط لوله در ایران احیا نگردیده است. ایران ابتدا باید به ثبات نسبی داخلی برسد و بعد با همه امکانات خود را آماده حضور در جنگ دیپلماسی انرژی خط لوله نماید. نقاط ضعف خود را ببوشاند و از فرصت‌ها بهره‌برداری لازم را ببرد. ایران با وجود برتری در زمینه ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، بر-خورداری از منابع غنی نفت و گاز، نیروی انسانی فعال، جمعیت خوب باید تلاش نماید تا منافع ملی خود را افزایش دهد.

^۱- Interdependence

^۲- Games Theory

^۳- Political system

^۴- Interactions International

راهبرد مهم خطوط لوله برای ایران، اتصال به کشورهای مهمی همچون چین، هند، پاکستان، کشورهای همسایه، حتی اتحادیه اروپا و سوپ نفت و گاز برای حوزه‌های مصرف انرژی است که علاوه بر منافع اقتصادی از بعد تعاملات استراتژیک نیز دارای اهمیت زیادی است. در واقع ارتباطات عمیقی با کشورها می‌یابد که گسست آن به آسانی میسر نیست. پس نباید سیاست خط لوله انرژی را صرفاً از دریچه مسائل فنی و اقتصادی نگاه کرد بلکه باید آن را از زاویه فرصت‌های استراتژیکی که در اختیار کشورها قرار می‌دهد، نیز مورد توجه قرار گیرد. همکاری‌های فنی و اقتصادی نیازمند بستر سیاسی با ثبات، روابط دیپلماتیک پایدارتر و قابلیت پیش بینی نسبتاً بلندمدت است. مسائل سیاسی و جناحی مانع سیاستگذاری و یارانه‌ها مانع سرمایه‌گذاری در بخش انرژی شده و شدت انرژی و مصرف بی‌رویه باعث بهره‌وری پایین است. اصلاحات در یارانه‌ها باید صورت گیرد و نرخ داخلی انرژی باید با شاخص قیمت صادراتی برابری کند. همگرایی و همکاری بین نهادهای کشور و همیاری و همدلی بین دستگاه دیپلماسی و بدنه تخصصی وزارت نفت در کنار تلاش‌های پیگیرانه مسئولان مذاکراتی، نقش مهمی در این میان بر عهده دارد. سرمایه‌گذاری مشترک کشور در زمینه ساخت و توسعه نیروگاه‌های گازی تولید برق در نواحی مشترک مرزی، باعث ارتقای ضریب اشتغال در مناطق مرزی شده و ضریب امنیتی مرزها نیز ارتقا می‌یابد و در حضور بخش فنی و سرمایه‌گذاری خصوصی در ایجاد نیروگاه‌های گازی موثر است.

اکنون بهترین تصمیم برای ایران، حل اختلافات با کشورهای همسایه در کمترین زمان ممکن است، با صادرات گاز ترکمنستان به ایران، اجرایی شدن خط لوله تاپی به حاشیه می‌رود و حتی با خرید گاز ترکمنستان برای سوپ نیز تلاش کند. خط لوله نفت و گاز باعث نفوذ و حضور در کشورهاست، پس احداث آن در مناسبات کشورها تاثیرگذار است، چرا که خطوط لوله در قرن ۲۱ اهمیت ژئواکونومیک یافته‌اند. تحولات متاثر از عامل سیاست خط لوله نفت و گاز و مسائل مربوط به انتقال انرژی است. عبور خط لوله از هر کشوری موجب افزایش رتبه استراتژیک آن کشور می‌گردد و عدم عبور خط لوله محرومیت، از این امتیاز استراتژیک است.

پروژه صادراتی نفت و گاز چهار مرحله مطالعاتی را سیر می‌کند: مطالعه بازاریابی، بررسی فنی و مهندسی، مطالعه حقوقی، مطالعه مالی و پولی. ژئوپلیتیک ایران حکم می‌کند که به همه بازارهای جهانی دسترسی باشد.

وجود دیپلماسی خط لوله باعث وابستگی متقابل کشورهای تولید کننده، مصرف کننده و کشور معبر، می‌گردد که در یک شبکه‌ای از وابستگی متقابل قرار گیرند. این کشورها نسبت به هر تهدیدی در عرضه یا تقاضای انرژی، آسیب پذیرند. این روابط چند جانبه برای حفظ منافع ملی، ثبات داخلی بسیار تاثیر گذارست. برخی از توصیه‌ها در زمینه خطوط لوله انرژی ارائه می‌گردد:

- اصلاح ساختار اقتصادی نیاز مبرم کشوراست.
- افزایش جذب سرمایه‌های بخش خصوصی و بانکها برای تحقق پروژه‌های بزرگ دارای الویت.
- تثبیت و گسترش فرصتها و عضویت در اتحادیه‌های منطقه‌ای و گسترش فضای چند جانبه گرایی
- توسعه میادین و بخش‌های مختلف انرژی نفت و گاز
- همکاری، هماهنگی و همگرایی بخش‌ها و نهادهای تصمیم ساز داخلی
- جذب مصرف کنندگان در حال ورود به جامعه قدرت‌های بزرگ اقتصادی جهان از جمله هند، چین، برزیل
- افزایش و تقویت همکاری با تولیدکنندگان انرژی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در راستای روابط چندجانبه گرایی در دیپلماسی خطوط لوله، اطلاع رسانی و تبلیغات ویژه آن
- افزایش تعامل سازنده در صحنه‌های بین‌المللی با هدف جذب مصرف کنندگان و سرمایه گذاران
- احداث طرح‌های خطوط لوله انرژی استراتژیک و تکمیل شبکه سراسری داخلی در قالب زمان و شرایط بین‌المللی، زیر ساخت اصلی دیپلماسی خطوط لوله انرژی را باید با بهره گیری به موقع از ابزارها و امکانات داخلی و خارجی فراهم گردد. محور اصلی چنین فرایندی تعامل با بازیگران عرصه انرژی و خطوط لوله آن در حوزه اقتصاد انرژی می‌باشد. دیپلماسی خط لوله زمینه‌های لازم را برای عبور از محدودیت‌های تکنولوژی، بازاریابی، استخراج، اکتشاف، انتقال و سرمایه گذاری‌ها را فراهم می‌نماید. تدوین دیپلماسی خط لوله انرژی، همانقدر می‌تواند به ارتقای جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و حضور فعال آن در عرصه جهانی بیانجامد که کم توجهی به آن، بازماندگی از مسیر توسعه و کاهش قدرت را به همراه داشته باشد.

منابع فارسی

کتاب

- آریانفر، پرویز(۱۳۹۵)، تاریخچه انتقال مواد نفتی ایران، موزه اسناد صنعت نفت ایران آبادان - دهقانی فیروزآبادی، سید جلال(۱۳۹۲)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سمت
- عادل، محمدحسین (۱۳۸۹)، تحریم اقتصادی و اثر آن بر نفت، مجموعه مقالات همایش ملی نفت و سیاست خارجی، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک - واعظی، محمود(۱۳۸۹)، دیپلماسی انرژی ایران و قدرتهای بزرگ در خلیج فارس، پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، آبان

مقالات

- احمد ساعی، فرزاد پیلتن (۱۳۹۰)، نظریه ثبات هژمونیک؛ اقتصاد جهانی و تجارت چند جانبه، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۶
- حمیدرضا آصفی، محمدجواد فتحی، ابودر نظریان (۱۳۹۵)، تاثیر ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک خط لوله نکا - جاسک بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان، شماره پیاپی ۴۹
- حمید اسدی، داود منظور(۱۳۹۵)، تحلیل هزینه فایده صادرات گاز ایران به اروپا با استفاده از خط لوله، نشریه انرژی ایران، سال ۸۵، شماره ۲۶
- تکلیف، عاطفه(۱۳۹۱)، امکان‌پذیری همکاری یا رقابت بین اعضاء مجمع کشورهای صادرکننده گاز در صادرات گاز طبیعی از طریق خط لوله، فصلنامه اقتصاد محیط زیست و انرژی سال دوم، شماره ۵، زمستان
- پیروز مجتهدزاده، احمد رشیدنژاد (۱۳۹۰)، رقابت روسیه و ایران درحوزه انرژی مناطق آسیای مرکزی، خزر و قفقاز، راهبرد یاس، شماره ۲۵
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال(۱۳۹۰)، واقع‌گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۲، تابستان
- سهراب شهابی، جواد بخشی، سیما رفسنجانی نژاد(۱۳۹۲)، دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران و مجمع کشورهای صادرکننده گاز، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره

- سعید میرترابی، اسماعیل ربیعی (۱۳۹۱)، توانمندی‌ها و آسیب پذیریه‌های راهبردی ایران در بخش نفت، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره یازدهم

- علاءالدین بروجردی و دیگران (۱۳۹۰)، ژئواکونومی دریای خزر و تاثیر آن بر تامین امنیت انرژی و اتحادیه اروپا، فصلنامه راهبرد، سال ۲۰، شماره ۶۰

- کندی، اف، رابرت (۲۰۱۶)، تصمیم‌ها و اشتگتن برای سرنگونی بشار اسد و به دلیل عدم امتناع او در حمایت از طرح خط لوله گاز قطر، ترجمه عصر دیپلماسی، مجله پلیتیکو، نیویورک، اسفند ماه

- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۳)، هویت دولت و سیاست خارجی، فصلنامه سیاست خارجی، سال هجدهم، شماره یک، بهار

- محمد جوکار، حسن اسماعیل پور (۱۳۸۹)، بررسی و رتبه بندی موانع و مشکلات صادرات گاز طبیعی ایران به عرصه‌های بین‌المللی بر مبنای مدل الماس پورتر، نشریه پژوهش‌های مدیریت راهبردی، شماره ۲۶، تابستان و پاییز

خبرگزاری

- اقتصاد آنلاین (۱۳۹۴)، ایران و هند بر سر خط لوله صلح صحبت کردند، کد خبر ۸۱۱۵۹، سوم اردیبهشت

- تسنیم و میز نفت (۱۳۹۶)، دریافت گاز ایران از طریق خط لوله برای هند، ۱۵ شهریور، کد ۱۸۹۰۵، قابل دریافت در:

Mizenaft.com

- توحیدی، زهرا (۱۳۸۶)، خط لوله صلح؛ ابعاد و منافع، قابل دریافت در:

www.csr.ir

- روزنامه دنیای اقتصاد، ۳ خرداد/۱۳۹۰، کد خبر ۴۰۲۹۹۷، شماره روزنامه ۲۳۶۷

- محمدامین (۱۳۹۷)، تهران راه تاپی را هموار کرده است، قابل دریافت در:

Mizenaft.com

- صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵)، سوآپ گاز و سود ۱۰۰ میلیارد تومانی برای کشور، کد خبر ۱۳۸۷۵۷۷، ۳۰/آبان/۹۵

- طاهری، ابراهیم (۱۳۹۳)، ارزیابی مقایسه‌ای موانع اجرایی خطوط لوله‌های صلح و تاپی، قابل دریافت در:

www.irdiplomacy.ir – <http://asrebazar.com/news/24955>

- صفی‌اله طایع (۱۳۹۷)، راه‌ها و چالش‌های توسعه و صادرات گاز ترکمنستان، میز نفت، تیرماه: قابل دریافت در:

Mizenaft.com

- علیخانی، فرشاد (۱۳۹۲)، خط لوله ایران پاکستان هند، دیپلماسی انرژی در خدمت صلح و توسعه بین‌المللی، وبلاگ دیپلماسی اختصاصی علیخانی، شهریور
- نوروزی، محمد (۱۳۹۰)، نکاتی در باب افزایش چانه زنی جمهوری اسلامی، پایگاه خبری تحلیلی برهان

English Resources

Book

- Jalilvand, Ramin, (2013), **Iran's Gas Exports: Can Past Failure Become Future Success**, The Oxford Institute For Energy Studies
- Morgenthau, J. Hans, (1954), **Politics Among Nations: The Struggle For Power and Peace**, New York, Alfred A. Knopf
- Yergin, Daniel, (2011), **the Quest: Energy, Security, and the Remaking of the Modern World** (USA: The Penguin Press,), P. 266.
- Verda, Matteo, (2012), **The Russian Forging Energy Policy**, Macedonia: European Scientific Institute

Articles

- Abbaszadeh, P & Maleki, A & Alipour, M, (2013), **Iran's Oil Development Scenarios by 2025**, Energy Policy, No. 56

Site

- <http://asrebazar.com/News/24955>
- www.parsine.com/fa/news/288951
- Gilpin, G, Rabert, (1987), **The Theory Of Hegemonin Stability**, Available at: <http://www/Faculty.Maxwel.Syr.edu/merupert/teaching/Hegemonic>